

Predicting the Tendency to Risky Behaviors Based on the Behavioral Brain System with the Mediating Role of Parenting Styles among High School Students

Bahar Moghaddami-Choboghloei¹, Masoud Navidi-Moghadam², Mohammad Mehdi Jahangiri^{3*}

1. Master of Psychology, Department of Psychology, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Payam-e-Noor University, Qom, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.

*Corresponding Author: Mohammad Mehdi Jahangiri, Department of Psychology, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.

Email: mm.jahangiri@iau.ac.ir

Received: 18 August 2023

Accepted: 4 December 2023

Published: 30 February 2024

How to cite this article:

Moghaddami-Choboghloei B, Navidi-Moghadam M, Jahangiri M.M. Predicting the Tendency to Risky Behaviors Based on the Behavioral Brain System with the Mediating Role of Parenting Styles among High School Students. *Salāmat-i ijtimāi (Community Health)*. 2024; 11(1): 31-42. DOI: <http://doi.org/10.22037/ch.v11i1.31785>.

Abstract

Background and Objective: One of the phenomena of adolescence is risky behaviors. Many biological, cognitive, social and family factors are the cause of high-risk behaviors. The aim of this research was to predict the tendency to risky behaviors based on the behavioral brain system with the mediating role of parenting styles.

Materials and Methods: This descriptive study of the correlation and path analysis type was conducted with the participation of 360 students less than 18 years of secondary school in the 4th region of Qom province in the academic year of 2001-2012 with available sampling. Data were collected using high-risk behaviors and behavioral brain system questionnaires and were analyzed using Pearson's correlation coefficient tests and path analysis and SPSS- Statistics for Windows, version 22.0 (SPSS Inc., Chicago, Ill., USA).

Results: Our study showed a correlation between all predictive variables and high-risk behaviors. The path analysis test showed that, from the direct path, the relationship between behavioral inhibition system ($\beta=0.19$) and permissive style ($\beta=0.26$) was positive and significant with high-risk behaviors. However, the relationship between the activator inhibition system ($\beta=0.16$) and authoritarian style ($\beta=0.21$) with high-risk behaviors was negative and significant. From the indirect path, the relationship of behavioral inhibition system with the mediation of permissive style ($\beta=0.083$) and authoritative style ($\beta=0.053$) with risky behaviors was positive and significant. Whereas, the relationship of behavioral activation system with the mediation of permissive style ($\beta=-0.138$) and authoritarian style ($\beta=-0.088$) with high-risk behaviors was negative and significant.

Conclusion: Conclusion: The study showed that both inhibition and activation systems were directly related to high-risk behaviors and through two permissive and authoritative styles. The evaluated model has a good fit.

Keywords: High Risk Behaviors, Brain Behavioral System.

Conflict of Interest: None of the authors has any conflict of interest to disclose.

Ethical publication statement: We confirm that we have read the Journal's position on issues involved in ethical publication and affirm that this report is consistent with those guidelines.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس سیستم مغزی رفتاری با نقش واسطه‌ای سبک‌های فرزندپروری در بین دانش آموزان دبیرستانی

بهار مقدمی چوبوقلوئی^۱، مسعود نویدی مقدم^۲، محمد مهدی جهانگیری^{۳*}

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، قم، ایران.

۳. استادیار، گروه روانشناسی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

* نویسنده مسئول: محمد مهدی جهانگیری، گروه روانشناسی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: mm.jahangiri@iau.ac.ir

تاریخ پذیرش: بهمن ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: مرداد ۱۴۰۲

چکیده

زمینه و هدف: یکی از پدیده‌های دوره نوجوانی رفتارهای پرخطر است. عوامل متعدد زیستی، شناختی، اجتماعی و خانوادگی زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخطر هستند. هدف این پژوهش پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس سیستم مغزی رفتاری با نقش واسطه‌ای سبک‌های فرزندپروری بود.

روش و مواد: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی و تحلیل مسیر با مشارکت ۳۶۰ نفر از دانش‌آموزان زیر ۱۸ سال دوره متوسطه منطقه ۴ استان قم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ انجام شد. نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری در دسترس بود. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های رفتارهای پرخطر و سیستم مغزی رفتاری جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS-28 و AMOS2-24 و آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بین تمامی متغیرهای پیش‌بینی با رفتارهای پرخطر همبستگی مشاهده شد. آزمون تحلیل مسیر نشان داد، از مسیر مستقیم ارتباط سیستم بازداری رفتاری ($\beta=0/19$) و سبک سهل‌گیرانه ($\beta=0/26$) با رفتارهای پرخطر مثبت و معنی‌دار بود. ولی ارتباط سیستم بازداری فعال ساز ($\beta=-0/16$)، و سبک مقتدرانه ($\beta=-0/21$) با رفتارهای پرخطر منفی و معنی‌دار بود. از مسیر غیرمستقیم ارتباط سیستم بازداری رفتاری با میانجی‌گری سبک سهل‌گیرانه ($\beta=0/083$) و سبک مقتدرانه ($\beta=0/053$) با رفتارهای پرخطر مثبت و معنی‌دار بود. ولی ارتباط سیستم فعال ساز رفتاری با میانجی‌گری سبک سهل‌گیرانه ($\beta=-0/138$) و سبک مقتدرانه ($\beta=-0/088$) با رفتارهای پرخطر منفی و معنی‌دار بود.

نتیجه‌گیری: مطالعه نشان داد هر دو سیستم بازداری و فعال ساز هم به طور مستقیم با رفتارهای پرخطر و هم از طریق دو سبک سهل‌گیرانه و مقتدرانه، با رفتارهای پرخطر ارتباط داشت. مدل ارزیابی شده از برازندگی مطلوبی برخوردار است.

واژگان کلیدی: رفتارهای پرخطر، سیستم مغزی رفتاری، سبک‌های فرزندپروری.

مقدمه

نوجوانی دوره پویایی زندگی هر انسانی است و واقعیت آن است که بخش عمده شخصیت آدمی در دوره کودکی و نوجوانی ساخته می‌شود (۱) اهمیت سنین نوجوانی بر هیچ کسی پوشیده نیست. به شکل معمول در چرخه تحول، افراد در دوره نوجوانی ممکن است با مشکلات رفتاری، شناختی، هیجانی و روان‌شناختی مواجه شوند (۲). به‌طور عمده، دوران نوجوانی با احساس‌های متناقض، تحریکات فیزیولوژیکی و عواطفی پرتنش همراه است. احتمالاً هیچ دوره تحولی به اندازه نوجوانی موجب سردرگمی والدین، معلمان و متخصصان بالینی نمی‌شود (۳). نوجوانی مرحله‌ای از رشد است که احتمال خطر بسیاری برای رفتارهایی از قبیل سوءمصرف مواد، رفتارهای پرخطر جنسی و مشکلات سازگاری وجود دارد (۴). رفتارهای پرخطر شامل رفتارهایی هستند که زندگی دیگران را مختل کرده و ممکن است به اشخاص و یا اموال آنان آسیب برسانند و شامل رفتارهایی است که معمولاً تحت‌عنوان بزهکاری نوجوانان دسته‌بندی می‌شوند (۵) که شامل تخطی از قانون، نظیر تخریب اموال، سرقت، خشونت یا استفاده از سیگار، الکل، مصرف مواد، فرار از مدرسه، آتش افروزی، تجاوز به عنف یا تهدید می‌شود. بر طبق آمارهای مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها، شیوع رفتارهایی که سلامتی را به خطر می‌اندازد در بین نوجوانان رو به افزایش است (۶).

در میان متغیرهایی که پیش‌بینی‌کننده رفتارهای پرخطر می‌باشد سیستم مغزی رفتاری (brain-behavior systems) است. با مقدمه نظریه Gary (۷)، اختلالات روان‌پزشکی بسیاری بر مبنای دو سیستم فعالیت توضیح داده می‌شوند. در پاسخ به محرک محیطی، اساساً به دو سیستم فعال بنام سیستم فعال‌کننده رفتاری و سیستم بازداری رفتاری، توجه می‌شود (۸). سیستم فعال‌سازی رفتاری مسئول رفتارهای پاسخ به تقویت (عاطفه مثبت) و سیستم بازداری رفتاری مسئول پاسخ دادن به رفتارهای بازداری برای خطر و تنبیه (عاطفه منفی) است (۹). یافته‌های متفاوت نشان داده‌اند که افزایش، کاهش، یا از دست دادن تعادل در عملکرد این سیستم‌ها باعث بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان می‌شود (۱۱ و ۱۰). به عنوان مثال فعالیت و حساسیت بالای سیستم فعال‌سازی رفتاری به اعمالی منجر می‌شود که در راستای کسب پاداش و به شکل تکانه‌ای انجام می‌پذیرد و درنهایت به بروز رفتارهای پرخطر می‌انجامد (۱۰).

مطالعات نشان داده‌اند که رابطه معنی‌دار بین رفتارهای پرخطر و سیستم مغزی رفتاری وجود دارد (۱۱ و ۱۲). همچنین این سیستم با رفتارهای پرخطری همچون اعتیاد و رفتارهای پرخطر دیگر در رابطه است (۱۸-۱۳). علاوه بر روابط مستقیم سیستم مغزی رفتاری در بروز رفتارهای ناسازگارانه، عواملی نیز وجود دارد که با عنوان نقش واسطه‌ای در رابطه بین آن‌ها عمل می‌کنند، که سبک‌های فرزندپروری، شاید یکی از عوامل واسطه‌ای در بین رفتارهای پرخطر و سیستم مغزی رفتاری تلقی شود (۱۹).

خانواده یکی از قوی‌ترین پیوندهای ارتباط اجتماعی است. محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد و رفتارهای پدر و مادر به‌طور مداوم با سلامت روان کودکان و نوجوانان در ارتباط است (۲۰). سبک‌های فرزندپروری، الگوهای استاندارد تربیت فرزند هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری و رشد آنان در دوران کودکی و خصائص شخصیتی و رفتاری آن‌ها تأثیر فراوان و عمیقی می‌گذارند (۲۱).

Baumrind سه مدل سبک والدگری مستبدانه (پاسخگویی کم، مطالبه‌گری زیاد)، مقتدرانه (پاسخگویی زیاد، مطالبه‌گری زیاد) و سهل‌گیرانه (پاسخگویی زیاد، مطالبه‌گری کم) را با در نظر گرفتن کنترل و صمیمیت والدینی بیان کرده (۲۲) و مطالعات انجام گرفته نشان داده که این سبک‌ها ممکن است پیامدهای مثبت یا منفی را در کودکان افزایش یا کاهش دهند (۲۳ و ۲۴). در زمینه ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری و سیستم‌های مغزی رفتاری می‌توان چنین فرض کرد که والدینی که فعال‌کننده رفتاری فعالی دارند، از فرزندان‌شان بیشتر حمایت کرده و آنان را بیشتر کنترل می‌کنند. آنان از کاوش فرزندان‌شان در محیط و جست‌وجوی محرک‌های جدید جلوگیری کرده لذا فرزندان‌شان به مهارت‌های مقابله جهت مدیریت چالش‌های محیطی دست نمی‌یابند. چنین نوجوانی به این باور می‌رسد که کاوش در محیط و تسلط بر آن، فراتر از ظرفیت مقابله وی می‌باشد و بدین ترتیب، در مواجهه با رویدادهای محیطی از راهبردهای اجتناب، کناره‌گیری و وابستگی به مراقبت

استفاده می‌کند و به بیان دیگر، سیستم‌های بازداری فعال سازی رفتاری وی فعال خواهد شد (۲۵). از سویی میزان درگیری و آگاهی والدین از فعالیت‌های فرزندشان با رفتارهای پرخطر ارتباط دارد. بسیاری از جنبه‌های رشد نوجوانان ممکن است در سلامت نوجوانان و رشد رفتارهای پرخطر در وی نقش داشته باشد از جمله گرمی والدین در برابر بی‌تفاوتی و سردی، پذیرش در برابر رد، ساختار در برابر هرج و مرج، استقلال در برابر کنترل زیاده از حد، دخالت در مقابل غفلت، سخت‌گیری در مقابل سهل‌گیری، نظم و انضباط مداوم در برابر ناسازگاری و ارتباط در مقابل فاصله‌گیری (۲۶) والدگری مقتدر که با درجه بالایی از گرمی و حمایت والدین، مشارکت در امور خانواده، سطوح بالای نظارت شناخته می‌شود، از شیوه‌های والدگری ایده‌آل است و این نوجوانان نسبت به نوجوانی که در دیگر سبک‌های والدگری رشد کرده‌اند، با رفتارهای پرخطر کمتری درگیر می‌شوند (۲۷). به طوری که سبک والدگری مستبدانه، موجب شکل‌گیری حس بی‌ارزشی در فرزندان می‌شود. افرادی که تجارب اولیه آن‌ها باعث شده تا خود را شایسته ارزیابی نکنند، با اجتناب از صمیمیت و ارزیابی منفی دیگران، روابط خصمانه و پرخطر را تجربه می‌کنند (۲۴، ۲۶، ۲۸، ۲۱).

با توجه به این که نوجوانان سرمایه‌های جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده سلامت و آینده جامعه است و از سوی دیگر با توجه به شیوع بالای رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان و صدمات و خسارات جبران‌ناپذیر رفتارهای پرخطر و بالا بودن هزینه‌های زمانی و مالی اقدامات تغییر رفتار در سطح فردی و اجتماعی، شناسایی و تبیین رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان در جهت اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه، مطالعه حاضر با هدف پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس سیستم مغزی رفتاری با نقش واسطه‌ای سبک‌های فرزندپروری انجام شد.

روش و مواد

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بر مبنای تحلیل مسیر بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان (دختر و پسر) زیر ۱۸ سال دوره متوسطه منطقه ۴ استان قم، در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد و تعداد نمونه با توجه به توصیه Kline (۲۹) مبنی بر آنکه برای هر عامل ۱۰ تا ۲۰ نفر، تعداد ۳۶۰ نفر تعیین شد. که در این پژوهش با توجه به آیت‌های پرسشنامه‌ها (۷ عاملی رفتارهای پرخطر، ۲ عاملی سیستم مغزی رفتاری و ۶ عاملی ویژگی‌های شخصیتی) ۳۶۰ نفر دانش‌آموز آموزش و پرورش منطقه ۴ قم انتخاب و پرسشنامه رفتارهای پرخطر (۳۸ ماده‌ای)، پرسشنامه سیستم مغزی بازداری و فعال‌سازی رفتار (۲۴ ماده‌ای) و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری (۳۰ ماده‌ای) در اختیار آنان برای پاسخگویی گذاشته شد.

در این پژوهش، ملاک ورود به مطالعه شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در دوره متوسطه دوم دبیرستان در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ و ملاک خروج از مطالعه نیز ارایه اطلاعات ناقص یا عدم همکاری دانش‌آموزان بود. ملاحظات اخلاقی رعایت شده در پژوهش حاضر به این شرح بود که به تمامی شرکت‌کنندگان در همه مراحل توضیحات لازم درباره پژوهش ارائه شد، پس از جلب رضایت آن‌ها، اقدام برای اجرا صورت گرفت، این افراد به ترتیب اجرا، کادر همکاری‌کننده مدارس، دانش‌آموزان در مرحله سنجش بودند، همچنین به آزمودنی‌ها خاطر نشان شد، تمامی اطلاعات آن‌ها محرمانه می‌ماند و حریم خصوصی آنان کاملاً رعایت می‌شود. سیستم مغزی رفتاری به مثابه متغیر برون‌زا، رفتارهای پرخطر به عنوان متغیر درون‌زا و سبک‌های فرزندپروری به منزله متغیر میانجی در نظر گرفته شد.

برای سنجش متغیرهای بررسی شده پژوهش از پرسشنامه‌های استاندارد شده رفتارهای پرخطر، پرسشنامه سیستم مغزی بازداری و فعال‌سازی رفتار و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری استفاده شد.

پرسشنامه رفتارهای پرخطر: مقیاس خطرپذیری نوجوانان (The scale of youth dangerousness) ایرانی توسط محمدی و همکاران (۳۰) تدوین شده است. این پرسشنامه ۳۸ ماده دارد که بر اساس یک مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت (کاملاً موافق = ۵، تا کاملاً مخالف = ۱) سنجیده می‌شود. این پرسشنامه ۷ عامل خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف را شامل می‌شود. گرایش به مواد مخدر از سوال ۸-۱، گرایش به الکل، ۱۴-۹، گرایش به سیگار ۱۹-۱۵، گرایش به خشونت ۲۴-۲۰، گرایش به رابطه و رفتار جنسی، ۲۸-۲۵، گرایش به رابطه با

جنس مخالف، ۲۹-۳۲، گرایش به رانندگی خطرناک، ۳۳-۳۸. بر اساس این روش از تحلیل نمره‌های به دست آمده را جمع کرده حد پایین نمره = ۳۸، حدمتوسط نمرات = ۱۱۴ و حد بالای نمرات = ۱۹۰ می‌باشد. در نتیجه نمره بین ۳۸ تا ۷۶: میزان خطرپذیری نوجوانان کم است. نمره بین ۷۶ تا ۱۱۴: میزان خطرپذیری نوجوانان متوسط است. نمره بالاتر از ۱۱۴: میزان خطرپذیری نوجوانان زیاد است (۳۰). اعتبار این مقیاس را به روش همسازی درونی و با کمک آلفای کرونباخ و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مطلوب گزارش داده‌اند. تحلیل عاملی اکتشافی با مولفه‌های اصلی نشان داد که این پرسشنامه مقیاسی هفت بعدی است، که ۶۴/۸۴ درصد واریانس خطرپذیری را تبیین می‌کند. میزان آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای خرده مقیاس‌های آن در دامنه ۰/۹۳ تا ۰/۷۴ قرار داشت که بیانگر پایایی خوب این مقیاس است (۳۰) آلفای کرونباخ به دست آمده از رفتارهای پرخطر در پژوهش حاضر ۰/۸۷ می‌باشد.

پرسشنامه سیستم مغزی بازداری و فعال‌سازی رفتار: مقیاس سیستم‌های بازداری فعال سازی رفتاری Carver & White در سال ۱۹۹۴ (۳۱) شامل ۲۴ ماده خود گزارشی است. سؤالات این مقیاس به صورت درجه‌ای و بر اساس مقیاس لیکرت نمره-گذاری می‌شود. نمره یک نشان‌دهنده آن است که آن ماده فرد را خیلی خوب توصیف می‌کند و نمره پنج نشان می‌دهد که آن ماده فرد را توصیف نمی‌کند. زیر مقیاس BIS در این پرسشنامه شامل ۷ آیتم است که حساسیت سیستم بازداری رفتاری یا پاسخ‌دهی به تهدید و احساس اضطراب هنگام رویارویی با نشانه‌های تهدید را اندازه می‌گیرد. زیر مقیاس BAS شامل ۱۳ آیتم است و حساسیت سیستم فعال‌سازی رفتاری را اندازه می‌گیرد. و این زیرمقیاس شامل ۳ زیر مقیاس دیگر است که عبارتند از: (۱) سائق که شامل ۴ آیتم است. (۲) پاسخ‌دهی به پاداش که بر روی پاسخ‌های مثبت نسبت به وقوع پاداش یا پیش‌بینی آن تمرکز دارد، در حالی که سائق، تمایل فرد را به تعقیب فعالانه اهداف مطلوب اندازه‌گیری می‌کند و زیر مقیاس جستجوی سرگرمی، شامل آیتم‌هایی است که گرایش فرد برای پاداش جدید و میل به رسیدن و دستیابی به رویدادهای پاداش‌دهنده آنی را در برمی‌گیرد. چهار آیتم اضافی به عنوان آیتم‌های پوششی در مقیاس آورده شده‌اند و نقشی در ارزیابی ندارند. زیر مقیاس BIS سوال‌های ۲-۸-۱۳-۱۶-۱۹-۲۲-۲۴. زیرمقیاس BAS که شامل سائق (BAS-DR) = ۳-۹-۱۲-۲۱، پاسخ‌دهی به پاداش (BAS-RR) = ۴-۷-۱۴-۱۸-۲۳ و جستجوی سرگرمی (BAS-FS) = ۵-۱۰-۱۵-۲۰. گزینه‌های ۱۷، ۱۱، ۶، ۱ در نمره‌گذاری هیچ تاثیری ندارند و صرفاً جهت هماهنگی با سایر آیتم‌ها به پرسشنامه اضافه شده‌اند. بر اساس این روش از تحلیل نمره‌های به دست آمده را جمع کرده حداقل امتیاز ممکن ۲۴ و حداکثر ۹۶ می‌باشد. نمره بین ۲۴ تا ۴۰: حساسیت سیستم کم است، نمره بین ۴۰ تا ۶۰: حساسیت سیستم متوسط است و نمره بالاتر از ۶۰: حساسیت سیستم زیاد است (۳۲). به گزارش کارور و وایت ثبات درونی زیر مقیاس BIS ۰/۷۳ است ثبات درونی ۳ زیر مقیاس سائق، پاسخ‌دهی به پاداش و جستجوی سرگرمی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۳، ۰/۶۶ است (۳۱). خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی این مقیاس در ایران توسط محمدی (۳۲) در دانشجویان شیرازی مطلوب گزارش شده است. اعتبار به روش باز آزمایی برای مقیاس BAS، ۰/۶۸ و برای زیر مقیاس BIS، ۰/۷۱ گزارش کرده است (۳۲). همچنین در پژوهش‌های متعدد قابلیت اعتماد و درستی بالایی برای مقیاس‌های BIS/BAS گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای BAS در پژوهش ایرانی دیگر (۳۳) ۰/۶۸ و برای BIS برابر ۰/۷۲ به دست آمد. آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش حاضر از سیستم مغزی رفتاری در پژوهش حاضر سیستم‌بازداری رفتاری، ۰/۶۸ و سیستم‌فعال‌ساز رفتاری، ۰/۷۷ می‌باشد.

سبک‌های فرزندپروری Bamrind: این پرسشنامه به منظور سنجش سبک‌های فرزندپروری استفاده شد (۲۲). این مقیاس توسط Bamrind در سال ۱۹۷۲ طراحی شد و شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ جمله آن شیوه‌های سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله شیوه‌های استبدادی و ۱۰ جمله شیوه‌های مقتدرانه را می‌سنجد. بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند که از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد سبک‌های سهل‌گیر بودن و مستبد بودن مقتدرانه برای هر آزمودنی به دست می‌آید.

۱- ۱-۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۲۸. ده عبارت مربوط به مقیاس سهل‌گیر:

۲- ۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹. ده عبارت مربوط به مقیاس شیوه‌های استبدادی:

۳. ده عبارت مربوط به مقیاس مقتدرانه: ۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰.

در نمونه اصلی میزان اعتبار این پرسشنامه با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سبک سهل گیرانه، ۰/۹۲ برای سبک مستبدانه، و ۰/۹۲ برای سبک مقتدرانه گزارش شده است. همچنین برای روایی این پرسشنامه، رابطه بین سهل گیر بودن و مستبد بودن را (۰/۵۰-) و رابطه بین مقتدر بودن و مستبد بودن (۰/۵۲-) گزارش کرده‌اند (۳۴). در پژوهش ایرانی اعتبار پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۷۴ برای مؤلفه استبدادی، ۰/۷۲ برای مؤلفه مقتدرانه، و ۰/۷۶ برای مؤلفه سهل گیرانه به دست آمد (۳۴). آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش حاضر از سبک سهل گیرانه در پژوهش حاضر ۰/۷۹، سبک مستبدانه، ۰/۸۳ و سبک مقتدرانه ۰/۸۸ می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS 28 و AMOS 24 انجام شد. رابطه بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با تکنیک تحلیل مسیر (Path Analysis) آزمون شد. نقش میانجی‌گری با روش سوئل تحلیل شد. حداکثر سطح خطای آلفا جهت آزمون فرضیه‌ها، مقدار ۰/۰۵ تعیین شد.

یافته ها

شرکت کنندگان در مطالعه ۱۸۸ (۵۲/۲٪) نفر پسر و ۱۷۲ (۴۷/۸٪) نفر دختران و پایه تحصیلی دهم ۱۱۶ (۳۲/۲٪) نفر، پایه تحصیلی یازدهم ۱۵۲ (۴۲/۲٪) نفر و پایه تحصیلی دوازدهم ۹۲ (۲۵/۶٪) نفر بودند. میانگین (انحراف معیار) سن پاسخگویان (۱/۲) ۱۷/۲ سال بود که دامنه سنی از حداقل ۱۵ تا حداکثر ۱۸ سال بود. در جدول شماره ۱ آماره های توصیفی متغیرها و همبستگی بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون آمده است.

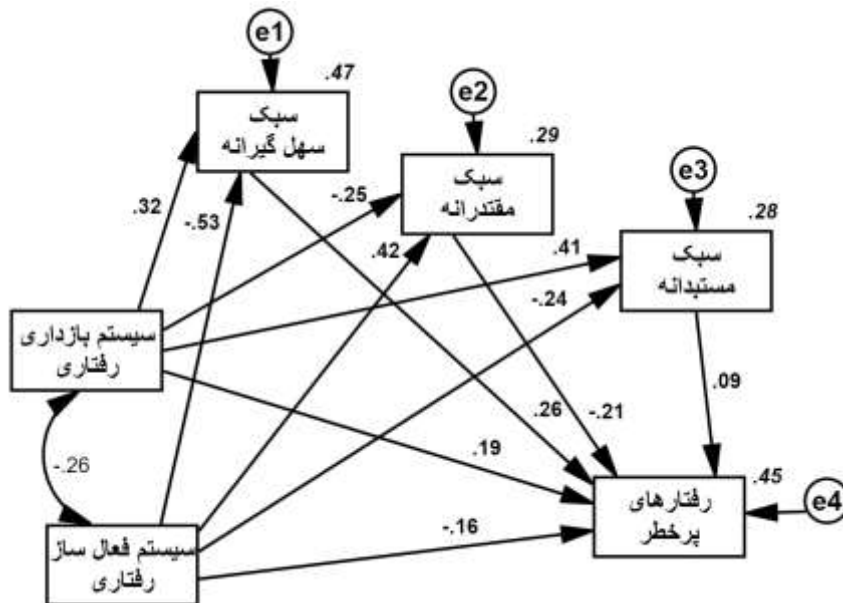
جدول شماره ۱- آزمون همبستگی پیرسون به همراه آماره های توصیفی و بررسی مفروضه همخطی با شاخص تورم

واریانس

متغیرها	(انحراف معیار) میانگین	سیستم بازداری	سیستم فعال ساز	سبک سهل گیرانه	سبک مقتدرانه	سبک مستبدانه	رفتارهای پرخطر	تورم واریانس
سیستم بازداری	۱۹/۳(۳/۲)	۱						۱/۴۵
سیستم فعال ساز	۳۶/۶(۵/۰)	۰/۲۶**	۱					۱/۷۳
سبک سهل گیرانه	۱۸/۷(۴/۸)	۰/۳۲**	-۰/۴۸**	۱				۲/۱۳
سبک مقتدرانه	۲۱/۹(۶/۷)	-۰/۳۶**	۰/۴۳**	-۰/۲۱**	۱			۱/۵۰
سبک مستبدانه	۱۷/۷(۵/۵)	۰/۳۸**	-۰/۳۵**	-۰/۵۰**	۰/۲۷**	۱		۱/۴۹
رفتارهای پرخطر	۸۵/۳(۱۹/۸)	۰/۲۳**	-۰/۳۷**	۰/۴۶**	-۰/۵۱**	۰/۲۳**	۱	

** $P < 0.01$ ، * $P < 0.05$

نتایج جدول شماره ۱ نشان داد همبستگی معنی داری بین تمامی متغیرهای مستقل و میانجی شامل سیستم بازداری رفتاری، سیستم فعال ساز رفتاری، سبک سهل گیرانه، سبک مقتدرانه و سبک مستبدانه با رفتارهای پرخطر مشاهده شد ($P < 0.05$). سیستم بازداری رابطه مثبت و معنادار ($r = 0.23$, $P < 0.01$)، سیستم فعال ساز رابطه منفی و معنادار ($P < 0.01$)، سبک سهل گیرانه رابطه مثبت و معنادار ($r = 0.46$, $P < 0.01$)، سبک مقتدرانه رابطه منفی و معنادار ($P < 0.01$)، و سبک مستبدانه رابطه مثبت و معنادار ($r = 0.23$, $P < 0.01$) با رفتارهای پرخطر داشتند. بررسی مفروضه عدم همخطی چندگانه نشان داد مقادیر عامل تورم واریانس در تمامی موارد کمتر از ۵ بود که نشان داد مفروضه عدم همخطی چندگانه برقرار بود. مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر و در نرم افزار AMOS آزمون شد. شکل شماره ۱ مدل تجربی در حالت ضرایب استاندارد است.



شکل شماره ۱- مدل تجربی در حالت ضرایب مسیر استاندارد

شکل ۱ نشان داد که به غیر از تأثیر سبک مستبدانه بر رفتارهای پرخطر که تایید نشد ($P > 0.05$)، تمامی اثرات مستقیم در مدل از نظر آماری تایید شد ($P < 0.05$). قوی ترین تأثیر در مدل مربوط به تأثیر سیستم فعال ساز رفتاری بر سبک سهیل گیرانه ($\beta = -0.53$)، سیستم فعال ساز بر سبک مقتدرانه ($\beta = 0.42$) و سیستم بازداری بر سبک مستبدانه ($\beta = 0.41$) بود. شاخص های برازش مدل در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲- شاخص های برازش مدل

شاخص برازش	R ²	PGFI	IFI	NFI	CFI	GFI	RMSEA
معیار*	> 0.33	> 0.70	> 0.90	> 0.90	> 0.90	> 0.90	< 0.08
نتیجه	0.45	0.68	0.93	0.94	0.89	0.92	0.075

در مجموع با ارزیابی تمامی شاخص های برازش در جدول شماره ۲ می توان استنباط کرد در مدل تجربی تمامی شاخص های برازش مقدار متوسط یا مطلوبی داشتند و هیچ کدام از شاخص های برازش مقدار ضعیفی نداشتند. دو شاخص برازش PGFI و CFI مقدار متوسطی داشتند و سایر شاخص های برازش مقدار مطلوبی داشتند که نشان داد برازش مدل به طور تقریبی تایید شد. ضریب تعیین متغیر وابسته رفتارهای پرخطر برابر با 0.45 بود که مقدار قابل قبولی بود و نشان داد متغیرهای مستقل و میانجی توانستند 45٪ از واریانس رفتارهای پرخطر را تبیین کنند. در جدول شماره ۳ نتایج آزمون روابط ساختاری (اثرات مستقیم) آمده است.

نتایج اثرات مستقیم (جدول ۳) نشان داد مطابق نتایج آزمون تحلیل مسیر، ضریب مسیر مستقیم بین سیستم بازداری رفتاری با رفتارهای پرخطر مثبت و معنی دار ($\beta = 0.19, P = 0.001$)، ضریب مسیر مستقیم بین سیستم بازداری فعال ساز با رفتارهای پرخطر منفی و معنی دار ($\beta = -0.16, P = 0.001$)، ضریب مسیر مستقیم بین سبک سهیل گیرانه با رفتارهای پرخطر مثبت و معنی دار ($\beta = 0.26, P = 0.001$) و مسیر مستقیم بین سبک مقتدرانه با رفتارهای پرخطر منفی و معنی دار ($\beta = -0.21, P = 0.001$) بود. آزمون نقش میانجی گری سبک های فرزندپروری با روش سوپل انجام شد. لازم به ذکر است که نرم افزار ایموس قابلیت محاسبه تفکیکی یا جداگانه روابط میانجی گری چندگانه را ندارد.

جدول شماره ۳- نتایج بررسی اثرات مستقیم بر اساس نتایج آزمون تحلیل مسیر

نوع تأثیر	ضریب استاندارد		خطای استاندارد		P
	غیراستاندارد	ضریب	استاندارد	t	
سیستم بازداری رفتاری -> سبک سهل گیرانه	۰/۳۲	۰/۱۸	۰/۰۲۵	۷/۰۱	۰۰۰/۰۰۱
سیستم بازداری رفتاری -> سبک مقتدرانه	-۰/۲۵	-۰/۱۲	۰/۰۲۵	-۴/۷۱	<۰/۰۰۱
سیستم بازداری رفتاری -> سبک مستبدانه	۰/۴۱	۰/۲۳	۰/۰۳۱	۷/۶۶	<۰/۰۰۱
سیستم بازداری رفتاری -> رفتارهای پرخطر	۰/۱۹	۰/۱۴	۰/۰۴۳	۳/۲۷	۰/۰۰۱
سیستم فعال ساز رفتاری -> سبک سهل گیرانه	-۰/۵۳	-۰/۷۱	۰/۰۶۱	-۱۱/۵۹	<۰/۰۰۱
سیستم فعال ساز رفتاری -> سبک مقتدرانه	۰/۴۲	۰/۴۷	۰/۰۶۰	۷/۹۱	<۰/۰۰۱
سیستم فعال ساز رفتاری -> سبک مستبدانه	-۰/۲۴	-۰/۳۳	۰/۰۷۳	-۴/۴۸	<۰/۰۰۱
سیستم فعال ساز رفتاری -> رفتارهای پرخطر	-۰/۱۶	-۰/۳۰	۰/۱۱۵	-۲/۵۷	۰/۰۱۰
سبک سهل گیرانه -> رفتارهای پرخطر	۰/۲۶	۰/۳۵	۰/۰۸۶	۴/۰۹	<۰/۰۰۱
سیستم مقتدرانه -> رفتارهای پرخطر	-۰/۲۱	-۰/۳۵	۰/۰۸۸	-۳/۹۶	<۰/۰۰۱
سیستم مستبدانه -> رفتارهای پرخطر	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۰۷۱	۱/۶۰	۰/۱۱۲

جدول شماره ۴- نتایج آزمون میانجی گری سبک های فرزندپروری در رابطه بین سیستم مغزی رفتاری و رفتارهای

پرخطر به روش سوبل

آزمون سوبل

نوع تأثیر

نتیجه	P	t	اثر غیرمستقیم	نوع تأثیر
تایید	<۰/۰۰۱	۳/۵۴	۰/۰۸۳	سیستم بازداری -> سبک سهل گیرانه -> رفتارهای پرخطر
تایید	۰/۰۰۲	۳/۰۶	۰/۰۵۳	سیستم بازداری -> سبک مقتدرانه -> رفتارهای پرخطر
عدم	۰/۱۲۹	۱/۵۹	۰/۰۳۷	سیستم بازداری -> سبک مستبدانه -> رفتارهای پرخطر
تایید	<۰/۰۰۱	۳/۸۴	-۰/۱۳۸	سیستم فعال ساز -> سبک سهل گیرانه -> رفتارهای
تایید	<۰/۰۰۱	۳/۵۵	-۰/۰۸۸	سیستم فعال ساز -> سبک مقتدرانه -> رفتارهای پرخطر
عدم	۰/۱۴۳	۱/۴۶	-۰/۰۲۲	سیستم فعال ساز -> سبک مستبدانه -> رفتارهای پرخطر

نتایج جدول شماره ۴ نشان داد اثر غیرمستقیم سیستم بازداری رفتاری با میانجی گری سبک سهل گیرانه ($P < 0/001$)، سبک سهل گیرانه ($\beta = 0/083$) و سبک مقتدرانه ($\beta = 0/053$, $P = 0/002$) تایید شد. اثر غیرمستقیم سیستم فعال ساز رفتاری با میانجی گری سبک سهل گیرانه ($\beta = -0/138$, $P < 0/001$) و سبک مقتدرانه ($\beta = -0/088$, $P < 0/001$) تایید شد. نتایج جدول ۴ نشان داد که نقش میانجی سبک فرزندپروری مستبدانه تایید نشد ($P > 0/05$). در مجموع یافته‌ها نشان داد هر دو سیستم بازداری و فعال ساز هم به طور مستقیم بر رفتارهای پرخطر موثر بودند و هم از طریق دو سبک سهل گیرانه و مقتدرانه، دارای اثر غیرمستقیم بر رفتارهای پرخطر بودند.

بحث

مطالعه نشان داد همبستگی معنی داری بین تمامی متغیرهای مستقل و میانجی شامل سیستم بازداری رفتاری، سیستم فعال ساز رفتاری، سبک سهل گیرانه، سبک مقتدرانه و سبک مستبدانه با رفتارهای پرخطر وجود دارد. جهت همبستگی سیستم بازداری، سبک سهل گیرانه و سبک مستبدانه با گرایش به رفتارهای پرخطر، مثبت بود و جهت رابطه سیستم فعال ساز رفتاری و سبک مقتدرانه با گرایش به رفتارهای پرخطر، منفی بود. قوی ترین همبستگی با رفتارهای پرخطر مربوط به سبک

مقتدرانه و سبک سهل گیرانه بود. همچنین همبستگی معنی‌داری بین سیستم بازداری و فعال‌ساز رفتاری با سبک‌های فرزندپروری مشاهده شد. شاخص‌های نکویی برآزش داده‌های گردآوری شده نشان داد مدل از برآزش مطلوبی برخوردار است. یافته‌ها نشان داد هر دو سیستم بازداری و فعال‌ساز هم به طور مستقیم بر رفتارهای پرخطر موثر بودند و هم از طریق دو سبک سهل گیرانه و مقتدرانه، دارای اثر غیرمستقیم بر رفتارهای پرخطر بودند که نتایج دوجه دومس با نتایج (۲۵، ۱۶، ۱۲، ۳۵، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۲۱) می‌باشد.

در تبیین نتایج ارتباط میان سیستم بازداری رفتاری و سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با رفتارهای پرخطر می‌توان گفت، والدینی که سیستم بازداری فعالی دارند، از فرزندان‌شان بیشتر حمایت کرده و آنان را بیشتر کنترل می‌کنند و باعث تقویت سیستم بازداری آن‌ها نیز می‌شوند به صورتی که آنان از کاوش فرزندان‌شان در محیط و جست‌وجوی محرک‌های جدید پیشگیری نموده و در نتیجه، فرزندان‌شان به مهارت‌های مقابله جهت چالش محیطی دست نمی‌یابند. چنین کودکی به این باور می‌رسد که کاوش در محیط و تسلط بر آن، فراتر از ظرفیت مقابله وی می‌باشد و بدین ترتیب، در مواجهه با رویدادهای محیطی از راهبردهای اجتناب، کناره‌گیری و وابستگی به مراقب استفاده می‌کند و به بیان دیگر، سیستم بازداری کودک فعال خواهد شد. از سوی دیگر، والدین بیش‌حمایت‌کننده الگویی از پاسخ‌های اضطرابی را به کار می‌بندد که به کودک می‌آموزد که مشکلات تهدیدکننده و غیر قابل حل هستند در چنین شرایطی کودک نیز در آینده همین الگوی پاسخ همراه با نگرانی را در مواجهه با رویدادهای محیطی به کار می‌بندد و بدین ترتیب والدین بیش‌حمایت‌کننده، یا مستبد فرزندان را می‌پروراند که دارای سیستم بازداری رفتاری فعال‌تری می‌باشند (۲۵). ولی با بالا رفتن سطح اضطراب با در نظر گرفتن این نکته که غلبه سیستم مهارگری مغز و حساسیت بالای آن نسبت به نشانه‌های اضطراب و هیجانات منفی، نشان‌دهنده عوامل زیستی زمینه‌ساز در نوجوانان مستعد اعتیاد و سیگار و مشروبات الکلی خواهد بود. همچنین اگر سبک‌های والدگری به جز سبک مقتدرانه باشد باعث به وجود آمدن پریشانی عاطفی در فرزندان می‌شود. توانایی فرد برای حفظ رفتار هدفمند، زمانی که پریشانی عاطفی تجربه می‌شود توسط مکانیزم‌های عصبی، پایین‌بالا می‌شوند و همان‌طور که بیان شد تفاوت‌های فردی در حساسیت سیستم‌های مغزی رفتاری به‌عنوان عامل زیربنای طیف گسترده‌ای از اختلالات روانی در نظر گرفته می‌شود که خود باعث بروز رفتارهای پرخطر از جانب نوجوانان خواهد بود (۳۵) زیرا نتایج به دست آمده در مطالعه روی مصرف‌کنندگان و افراد دارای وابستگی به مواد، عدم تحمل احساسات عاطفی به‌عنوان یک کلید برای شرح مکانیسم اساسی ابقاء و نگهداری مصرف مواد پیشنهاد شده است (۱۶). در نتیجه این مورد که سیستم مغزی رفتاری به صورت مستقیم و غیر مستقیم با رفتارهای پرخطر رابطه دارد در تحقیقات گذشته نیز تایید شده است (۱۲). در صورتی که هرچه فرد خود تنظیمی و توانایی حل مسئله بالاتر و یا سیستم مغزی رفتاری متعادل‌تری داشته باشد از والدین گرم و حامی برخوردار می‌باشد، و احتمال آن که در گروه دارای رفتارهای پرخطر قرار گیرد کاهش می‌یابد.

در رابطه با تبیین رابطه سبک‌های فرزندپروری با رفتارهای پرخطر نتایج همسو با نتایج پیشین (۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۸) می‌باشد که می‌توان این‌گونه تبیین کرد که:

شیوه‌های تربیتی والدین و میزان نظارت آن‌ها بر عملکرد فرزندان، اهرم بازدارنده خوبی برای جلوگیری از ابتلای نوجوانان به رفتارهای پرخطر است و هرچه میزان نظارت و کنترل والدین (البته متعادل و منطقی) در خانواده بیشتر باشد، به همان نسبت میزان ابتلای فرزندان به رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد، سیگار، رفتارهای پرخطر جنسی و رفتاری کمتر خواهد بود. افزایش سبک‌والدگری مقتدرانه با کاهش رفتارهای پرخطر در نوجوانان همراه است ولی با افزایش سبک‌های والدگری سهل‌گیرانه با افزایش رفتارهای پرخطر در نوجوانان همراه است شیوه تربیتی اقتدارگرا یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری و حفاظت نوجوانان از رفتارهای پرخطر بوده است و شیوه تربیتی مسامحه کار که در آن کنترل و گرمای کافی ارائه نمی‌شود، با سطوح بالاتر خطرپذیری همبسته است پژوهش‌گران کیفیت خوب والدگری را با توسعه سطوح بالای عزت نفس، کنترل رفتاری و مقاومت در برابر فشار دوستان و در نهایت کاهش خطرپذیری در ارتباط می‌دانند و بیان می‌دارند که نوجوانان در محیط‌های خانوادگی مسامحه‌کار، در سازش با محیط دچار مشکل می‌شوند (۲۴). باید توجه داشت که داشتن انتظارات متناسب با توانایی‌های

فرزندان همراه با حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خودکارایی فرزندان می‌شود. در صورتی که وجود اقتدار غیرمنطقی که براساس میل والدین به تسلط بر فرزند باشد به احساس طردشدگی، پرخاشگری و در نهایت افسردگی منجر می‌شود (۲۶). نهایتاً در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت رابطه گرم بین اعضای خانواده و خصوصاً با فرزندان (ناشی از سبک تربیتی مقتدرانه) امکان جذب آن‌ها را به خانواده بیشتر می‌کند (۲۸). بنابراین، والدین نقش بسیار کلیدی و با اهمیتی در بروز و یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر فرزندان را به عهده دارند. زیرا آماده ساختن فرد برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی یکی از بزرگترین وظایف اجتماعی والدین است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی افراد بر جای می‌گذارد (۲۱).

محدودیت‌ها

لازم به ذکر است که در این پژوهش مانند پژوهش‌های دیگر، محدودیت‌هایی وجود داشته است، در نهایت باید به محدودیت‌هایی اشاره کرد که با ایجاد موانع در راه تعمیم نتایج دریچه‌هایی را به سوی پژوهش‌های آینده در این زمینه می‌گشایند. از محدودیت‌های این تحقیق می‌توان عدم تفکیک افراد با پایگاه اجتماعی، اقتصادی و...، محدود بودن نمونه پژوهشی به نوجوانان را اشاره کرد. هرچند در مطالعه حاضر سعی شده از نمونه معرف جمعیت دانش‌آموزی استفاده شود، ولی به دلیل محدودیت‌های مالی و عدم همکاری برخی مدارس، عملاً شرکت کنندگان فقط از چند مدرسه انتخاب شدند که مسلماً نمی‌تواند معرف تمامی نوجوانان باشد و تعمیم‌پذیری نتایج را به کل نوجوانان محدود می‌کند. بنابراین، توصیه می‌شود پژوهش‌های بعدی با نمونه‌های معرف‌تری از جامعه نوجوانان اجرا شود. یک محقق دلسوز همواره به دنبال آن است که مسائل مبتلا به جامعه را زیر ذره‌بین علت‌یابی گذاشته، ابعاد و جوانب آن را روشن نماید تا به این طریق مسئولین امر را در جهت راه‌حل‌ها و برنامه‌ریزی‌ها یاری رساند. توصیه می‌گردد که در تحقیقات آتی، سایر مسائل و مشکلات قشر جوان مورد بررسی قرار گیرد، زیرا این گروه به عنوان نیروی کارآمد و پرتوان بالفعل می‌بایست عهده‌دار مسئولیت‌های مملکت گردند. چه بسا شناخت و توجه به خصوصیات و مسائل آنان، زمینه سازندگی و پویایی بیشتر این قشر را فراهم می‌سازد و به موازات عدم توجه به نیازها و مشکلات جوانان، بازتاب‌های ناخوشایندی را برای خود، خانواده و جامعه‌یشان در برخواهد داشت. بنابراین بهتر است به تحقیقات گسترده‌تری در مورد مسائل جوانان و روش‌های رفع مشکلات آنان پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که خانواده یک کانون فرهنگی اجتماعی مهم به شمار می‌آید و نقش بسزایی در پیشگیری از مسائل آسیب‌زای افراد در آینده دارد، با آموزش شیوه‌های والدگری صحیح با تأکید بر روش مقتدرانه به والدین می‌توان در کاهش رفتارهای پرخطر کمک کرد همچنین افزایش آگاهی دانشجویان و جوانان در زمینه مدیریت هیجانات و بهداشت روانی نقش بسیار زیادی در کاهش رفتارهای پرخطر دارد.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان نامه دانشجویی در مقطع کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات و دارای کد رساله ۲۰۰۲۹۰۵۳۳۰۶۱۹۷۰۱۳۹۸۱۳۶۴۷۶ از دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات می‌باشد. در پایان از تمامی شرکت کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

REFERENCES

1. Cho HS, Yang Y. Relationship Between Alcohol Consumption and Risky Sexual Behaviors Among Adolescents and Young Adults: A Meta-Analysis. *Int J Public Health*. 2023; 68, 1605669.
2. Mullarkey MC, Marchetti I, Bluth K, Carlson C L, Shumake J, Beevers CG. Symptom centrality and infrequency of endorsement identify adolescent depression symptoms more strongly associated with life satisfaction. *J. Affect. Disord*. 2021; 289: 90-97.

3. Aslam Z, Asim M, Javaid I, Rasheed F, Akhter MN. Analyzing risky behaviors among different minority and majority race in teenagers in the USA using latent classes. *Front. Behav. Neurosci.* 2023; 17, 1089434.
4. Joghtaei A, Maffakheri A, Bakshipour A. Investigating the effectiveness of mindfulness training on high-risk behaviors, procrastination and fear of success in teenagers. *J Fam Ther*, 2020; 4(1): 64-81.
5. Childs K., Viglione J, Chapman JE., Drazdowski T K, McCart M R, & Sheidow AJ. Delinquency, Substance Use, and Risky Sexual Behaviors among Youth who are involved in the Justice System and Predominantly Reside in Rural Communities: Patterns and Associated Risk Factors. *J Crim Justice.* 2023; 46(2): 211–230.
6. Harris B, McCredie MN, Truong T, Regan T, Thompson CG, Leach W, Fields SA. Relations between adolescent sensation seeking and risky sexual behaviors across sex, race, and age: A meta-analysis. *Archives of Sexual Behavior.* 2023 Jan;52(1):191-204
7. Gary J A, Mc Naughtan N. *The neuropsychology of anxiety.* Oxford psychology series, 2000; 33(4).
8. Chen X., Liu J, Luo YJ, Feng C. Brain Systems Underlying Fundamental Motivations of Human Social Conformity. *Neurosci Bull.* 2023; 39(2): 328–342.
9. Mallahzadeh A, Shafie M, Tahvilian M, Sadeghi M, Moslemian G, Barzin P, et al. White matter tracts alterations underpinning reward and conflict processing. *J Affect Disord.* 2023; 331: 251–258.
10. Kaynak H, Turan A, Demir Y. Locus of Control as a Mediator of the Relationships Between Motivational Systems and Trait Anxiety. *Psychol Rep.* 2022; 332941221139707.
11. Mohib N, Quy-Panjah, B, Ismail-Pour Kh, Abdi R. The effectiveness of cognitive therapy based on mindfulness on brain-behavioral systems and emotional regulation of opioid addicts. *Q J Exp Psychol.* 2023; 18(69): 228-221.
12. Forte G., Favieri F, Casagrande M, Tambelli R. Personality and Behavioral Inhibition/Activation Systems in Behavioral Addiction: Analysis of Binge-Watching. *Int. J. Environ. Res. Public Health.* 2023; 20(2): 1622.
13. Telzer EH, Jorgensen NA, Prinstein MJ, Lindquist KA. Neurobiological sensitivity to social rewards and punishments moderates link between peer norms and adolescent risk taking. *Child De.* 2020; 92(2): 731-745.
14. Abedinzadeh M, Haqat, S A, Raisi Z. Evaluation of the high-risk behavior model based on brain-behavioral systems and dark dimensions of personality with the mediation of thought control ability in second year high school students. *J Appl Psychol.* 2022; 13(4): 1-17.
15. Jacobs W, Merianos AL, Mahabee-Gittens E M, Leventhal A. Vaping motivations: Association of behavioral inhibition and behavioral activation systems with nicotine and cannabis vaping among adolescents. *Addict Behav.* 2022; 135, 107436.
16. Farani R, Amini N, Deira E, Shafi Abadi A. Modeling structural equations for predicting addiction based on dependency/incompetence schema and distress tolerance with the mediating role of brain-behavioral systems in students. *J Couns Psychol.* 2018; 10 (38): 58-31.
17. Logge WB, Morley KC, Haber PS, Baillie A J. Impaired Decision-Making and Skin Conductance Responses Are Associated with Reward and Punishment Sensitivity in Individuals with Severe Alcohol Use Disorder. *Neuro psychobiology.* 2023; 82(2): 117–129.
18. Moradi Q, Shambiati H, Kosha J, Safari A. The effect of personality traits (brain/behavioral systems) on committing the crime of theft (case study: Lorestan province). *Leg Res.* 2022; 21(52): 347-321.
19. McWhirter A-C., McIntyre LL, Kosty D B, Stormshak E. Parenting Styles, Family Characteristics, and Teacher-Reported Behavioral Outcomes in Kindergarten. *J Child Fam Stud,* 2023; 32(3): 678–690.
20. Ding X, Zheng L, Liu Y, Zhang W, Wang N, Duan H, Wu J. Parenting styles and psychological resilience: The mediating role of error monitoring. *Biol Psychol.* 2023; 180, 108587.
21. Shirafken Ajirlu, S, Shamshiri M, Moulai B. Investigating the relationship between spiritual intelligence, parents' parenting style and high-risk behaviors in middle school students of Meshgin Shahr. *Psychol Sch,* 2022; 11(2): 71-82.
22. Baumrind D. Parenting styles and adolescent development. *The encyclopedia of adolescence,* 1991, 2:746-58
23. Di Pentima L, Toni A, Roazzi A. Parenting Styles and Moral Disengagement in Young Adults: The Mediating Role of Attachment Experiences. *J Genet Psychol.* 2023; 1–17.
24. Kohensal Nalkyashri S, Asadi Majra, S, Akbari B. Presenting a structural model of the relationship between perceived parenting styles and high-risk behaviors through the mediation of resilience and emotion regulation in adolescents. *Psychol Methods.* 2022; 13(47): 106-116.

25. Pourmohsani Kalori F, Tehrani Zadeh, M. Examining the role of behavioral brain systems and parenting styles in students' perfectionism. 2014.
26. Klanjšek R, Vazsonyi A. T, Javakhishvili M. Is the Effect of Parenting on Substance Use among Adolescents and Young Adults Context Dependent? Evidence from Ten Countries of Southeastern Europe. *J Genet Psychol.* 2023;108(7), 1–18.
27. Abbasi E, Rajaei A, Bayazi M H, Jafarian Yar H. Predicting the tendency to risky behaviors based on the perception of the psychological-emotional atmosphere of the family and parenting style with the mediation of healthy lifestyle in adolescents (published date: No. 68, 1400). *Dev Psychol.* 2021; 10 (10):119-132.
28. Mattson JT., Thorne J C, Kover ST. Parental interaction style, child engagement, and emerging executive function in fetal alcohol spectrum disorders (FASD). *Child neuropsychology: J Pediatr Psychol.* 2022; 28(7): 853–877.
29. Kline R B. Principles and Practice of structural equation modeling (3rd ed.). New York: Guilford Press. 2011.
30. Zadeh Mohammadi A, Ahmadabadi Z, Heydari M. Compilation and examination of the psychometric properties of the risk-taking scale of Iranian adolescents. *J. clin. psychol. psychiatr.* 2010; 17 (3): 218-225.
31. Carver CS, White TL. Behavioral inhibition, behavioral activation and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS scales. *J Pers Soc Psychol.* 1994; 67:319-333.
32. Mohammadi N. Psychometric properties of scales of behavioral inhibition and activation system in students of Shiraz University, *J Res Med Sci.* 2008; 15(28).
33. Mosalman M, Hoseini A, Sadeghpour M. Prediction of Addiction Readiness Based on Behavioral Activation and Inhibition of Systems (BIS/BAS) and Cognitive Abilities Among Students in Amol Institute of Higher Education 2017-2018. *MCS 2018; 5 (2) :146-155*
34. Rouhani N, Jalali M, Mousavi A. Relationship between personality traits, attachment and parenting styles of parents with children's physical health. *Child Health Care.* 2018; 6(3): 227-215.
35. Kusev P, Purser H, Heilman R, Cooke AJ., Van Schaik P, Baranova V. et al. Understanding risky behavior: The influence of cognitive, emotional and hormonal factors on decision-making under risk. *Front Psychol;* 2017; 8(102): 1-10.